

وقف و ابتداء در حروف مقطعه بر اساس مصاحف امیری و مرکز طبع و نشر*

کریم پارچه باف دولتی** و سید مهدی موسوی***

چکیده

در مورد دانش وقف و ابتداء از قرون نخست کتب زیادی نوشته شده و در آن‌ها به اظهار نظر در خصوص مبانی و مواضع وقف و ابتداء پرداخته شده است؛ اما بررسی تطبیقی بین دیدگاه‌های عالمان در این موضوع کمتر صورت گرفته است، به خصوص تطبیق بین دیدگاه‌های عالمان شیعه و سنی تقریباً مورد غفلت می‌باشد. این تطبیق می‌تواند به نوعی نشانگر و القاکننده معانی دقیق قرآن کریم باشد، وضعیت علایم را بررسی کند و راهنمایی برای قاری قرآن کریم در قرائت صحیح باشد. در این پژوهش، نظر شیخ محمدعلی خلف الحسینی که یکی از علمای برجسته الازهر در حوزه وقف و ابتداء می‌باشد به شکل تطبیقی با نظر گروه محققان مرکز طبع و نشر قرآن کریم در موضوع «وقف و ابتداء حروف مقطعه در قرآن کریم» بررسی شده است.

روش تحقیق در نوشتار حاضر روش کتابخانه‌ای است که دیدگاه‌ها به صورت توصیفی ارائه و سپس تحلیل می‌گردند. این بررسی در تمامی ده موردی که حروف مقطعه در قرآن کریم جزء آیه می‌باشند و علامت وقف دارند دو مصحف امیری و مرکز طبع و نشر با یک‌دیگر اختلاف دارند و هرکدام از آن‌ها از یک علامت مشترک در این مواضع استفاده نموده‌اند. علامت مصحف امیری در این مواضع «ج» و علامت مصحف مرکز طبع و نشر «قلی» می‌باشد، که

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹.

** عضو هیئت علمی گروه پژوهشی مطالعات قرآنی برهان: kdowlati@gmail.com

*** سطح چهار رشته علوم وفنون قرائات المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): aliasqamosavi1393@gmail.com

این مسأله اهمیت پژوهش در این زمینه را دو چندان می‌کند. در این مورد بعد از بررسی و مقایسه و تحلیل نظرات مشخص گردید که دیدگاه مصحف امیری در مورد علامت‌گذاری وقف «جائز» به وسیله علامت «ج»، صحیح‌تر و به قول تفسیری «ارجح» نزدیک‌تر می‌باشد. **واژگان کلیدی:** قرآن، وقف، ابتداء، خلف الحسینی، مرکز طبع و نشر، مصحف امیری، مصحف مرکز طبع و نشر، حروف مقطعه

مقدمه

قرآن کریم معجزه جاویدان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ آخرین فرستاده خداوند متعال می‌باشد که خداوند این کتاب مقدس را بر قلب پاک رسول خود نازل نمود تا به سبب آن جهانیان را هدایت نماید و پوشیده نیست که عمل به مفاهیم انسان ساز قرآن کریم احتیاج به «سواد تلاوت قرآن» دارد و یکی از مقوله‌های مهم علم قرائت قرآن «دانش وقف و ابتداء» می‌باشد. «وقف و ابتداء» یعنی بدانیم در کدام قسمت از آیات قرآن می‌بایست وقف نمود و علت ما برای این وقف چیست؟ و سپس بدانیم که از کجا می‌بایست شروع به تلاوت کرد. از آن‌جا که تفاوت‌های مختلف مذهبی و به تبع آن فقهی، تفسیری، ادبی و... در طول تاریخ باعث شده است تا در مورد این علم، کتاب‌های مختلفی نگاشته شده و نظرات گوناگونی بیان گردد بر آن شدیم تا به بررسی تطبیقی نظرات شیعه و اهل سنت در مورد یکی از مواضع مهم قرآن کریم در این حوزه یعنی «حروف مقطعه» بپردازیم، در میان عالمان متأخر اهل سنت باید نظر شیخ محمدعلی خلف الحسینی (۱۳۵۷ ق) به عنوان عالم برجسته الازهر در قرن «۱۴ ق» را مبنای علامت‌گذاری در بسیاری از مصاحف دانست؛ به خصوص جایگاه ویژه وی سبب گردید که دیدگاه‌هایش در عموم کشورهای اسلامی اهل تسنن و حتی تشیع رواج یابد. از دیگر سو، در میان عالمان شیعه، مهم‌ترین دیدگاه عرضه شده در خصوص مواضع، علایم وقف و ابتداء، تحقیق انجام شده توسط گروه ویژه مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از این رو به پژوهش در مورد چرایی اختلاف نظر مصحف امیری «خلف الحسینی» که از مصاحف مشهور اهل سنت می‌باشد و هم‌چنین مصحف مرکز طبع «که توسط جمعی از محققین شیعه در جمهوری اسلامی در این مصحف کار تحقیقی بر روی وقف و ابتداء انجام شده است» در مورد «موضع وقف در حروف مقطعه» در قرآن کریم می‌پردازیم زیرا در ۱۰ موضع در قرآن کریم «حروف مقطعه» جزء آیه اول سوره می‌باشد که مصحف امیری علامت «ج» را برای این موضع برگزیده است و مصحف مرکز طبع علامت «قلی» را برای این موضع در نظر گرفته است که امیدواریم با بحثی جامع به نتیجه‌ای مطلوب در این زمینه دست پیدا یابیم.

در این پژوهش ابتدا محمد علی خلف الحسینی معرفی گردیده و نظرات وی در وقف و ابتداء بیان شده است و سپس به معرفی مرکز طبع و نشر قرآن کریم در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است و دیدگاه‌های آن مرکز در مورد وقف و ابتداء ذکر گردیده است و سپس مواضع تطبیقی وقف‌های اختلافی بین خلف الحسینی و مصحف مرکز طبع و نشر در حروف مقطعه قرآن کریم بیان شده است و پس از آن به بررسی دو دیدگاه از نظر کتب معتبر وقف و ابتداء و کتب اعراب القرآن و کتب تفاسیر پرداخته شده است و در پایان نیز نتیجه بحث ارائه گردیده است.

اهمیت علم وقف و ابتداء

علم وقف و ابتداء «دانستن این که در کدام قسمت آیه می‌شود ساکت شد و از کجای آن می‌شود شروع به خواندن کرد» مهم‌ترین اثر را در بهتر خواندن قرآن کریم دارد، زیرا از راه این علم قاری قرآن کریم، مکان‌هایی را که حتماً باید در آن‌ها وقف نماید و مواضعی را که وقف کردن در آن‌ها بهتر است می‌شناسد و علم پیدا می‌کند به این که از چه مواضعی مجدداً شروع به تلاوت نماید و از کدام کلمه ابتداء خوب، یا از کدام کلمه ابتداء کردن قبیح و زشت است، به همین جهت است که دانشمندان امت، چه در گذشته و چه در حال حاضر، به بیان محل‌های وقف در قرآن توجه کرده‌اند، و ترغیب و تحریض نموده‌اند که مردم، آن موارد را یاد بگیرند (خلیل الحصری، معالم الإهداء الی معرف - ه الوقف والابتداء، ۱۳۷۰: ۲۰) یکی از آداب تلاوت قرآن کریم «ترتیل» در قرائت می‌باشد. از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در خصوص معنای ترتیل نقل شده است، «هو حفظ الوقوف و بیان الحروف» ترتیل رعایت محل‌های وقف و تلفظ آشکار و صحیح حروف است «کاشانی، تفسیر الصافی، بی تا: ۱/ ۱۶۱؛ مجلسی، بحار الانوار، بی تا: ۸۴/ ۱۸۸) که خود این مطلب دلالت بر اهمیت وقف و ابتداء در قرآن کریم دارد.

از دیگر سو اقوال علمای علم قرائت هم در مورد وقف و ابتداء نشان از دغدغه آن‌ها در این زمینه دارد؛ مثلاً از نافع، عاصم و کسایی نقل شده که مبنای آنان در وقف توجه به نیکو بودن وقف و ابتداء است، ابن جزری آورده است: «فنافع کان یراعی محاسن الوقف والابتداء بحسب المعنی و ذکر خزاعی: انّ عاصماً و الکسایی کانا یطلبان الوقف من حیث یتّم الکلام»؛ «نافع نیکو بودن وقف و ابتداء را با توجه به معنای آن، رعایت می‌نموده است و خزاعی نقل کرده که عاصم و کسایی وقف را در جایی که معنای کلام تمام باشد جستجو کرده‌اند» (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۴۱۸: ۲۳۹).

بیشتر قراء، در انتخاب محل وقف به دنبال اتمام معنی بوده‌اند. بدرالدین زرکشی در این باره می‌نویسد: «واعلم انّ اکثر القراء يبتغون في الوقف المعنى وان لم يكن راس آية»؛ «بیشتر قاریان در وقف به دنبال اتمام بودن معنی کلام می‌باشند هر چند انتهای آیه نباشد» (زرکشی، برهان الدین، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۱/ ۴۲۶).

بنابر این نخستین مبنا در تقسیم وقف که از قراء سلف اخذ شده، تقسیم آن به دو قسم «تام» و «غیر تام» می‌باشد.

علم الدین سخاوی در کتاب خود به دو عنوان «يتم الوقف عليه» و «لا يتم الوقف عليه» وقف تمام و وقف ناتمام اشاره نموده است (سخاوی، جمال القراء و کمال الاقراء، بی‌تا: ۲/ ۵۶۳) که این مطالب خود مؤید این مطلب است که علمای علم قرائت از همان آغاز به «وقف و ابتداء» توجه جدی داشته‌اند.

مفهوم‌شناسی

۱. وقف

معانی مختلفی در تعریف لغوی وقف بیان شده است؛ یکی از مشهورترین این معانی: «الوقف بمعنى المنع والحبس والكف عن الفعل او القول»؛ «وقف یعنی خودداری و منع از کار یا گفتار است» (ناصر خسرو، التعريفات، ۱۳۷۰: ۲۲۹). در مقایس اللغة نیز خلیل بن احمد در تعریف وقف می‌نویسد: «الوقف مصدر قولك: وقفت الدابة و وقفت الكلمة وقفا»؛ «وقف مصدر این حرف توسست که می‌گویی: جنبنده را متوقف ساختم و برکلمه وقف کردم» (فراهیدی، کتاب العين، ۱۴۱۰: ۳/ ۱۹۹۷).

وقف در اصطلاح قرائت قرآن نیز عبارت است از: «قطع صدا در آخر کلمه جهت تجدید نفس، به نیت ادامه قرائت، به بیان دیگر، وقف جدا کردن کلمه یا عبارت از مابعدش می‌باشد به گونه‌ای که صدا در آن قطع شده و نفس تازه گردد». جرجانی در مورد معنای وقف در اصطلاح قرائت گفته است: «الوقف في القراءة قطع الكلمة عن مابعدها»؛ «وقف در قرائت جدا کردن کلمه از مابعدش می‌باشد» (ناصر خسرو، علی بن محمد جرجانی، التعريفات، ۱۳۷۰: ۲۶۵).

ابن جزری نیز در تعریف وقف آورده است: «الوقف عبارة عن قطع الصوت زمنا ينفس فيه عادة بنية استئناف القراءة» وقف عبارت است از قطع صوت هنگام قرائت قرآن به اندازه‌ای که تجدید نفس کنیم برای ادامه قرائت (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۴۰).

همه این تعاریف در یک نکته با یکدیگر اشتراک نظر دارند و آن هم منع و قطع صدا می‌باشد در هنگام تلاوت قرآن که به طور طبیعی کلمه بعد را از کلمه قبل جدا می‌نماید، و البته آدابی دارد از جمله: تجدید نفس، نیت ادامه تلاوت، تبدیل حرکات کوتاه به سکون و... .

۲. ابتداء

«ابتداء» به معنای شروع و آغاز قرائت می‌باشد و در اینجا، به معنای ادامه قرائت پس از وقف است که به آن «استیناف» نیز گفته‌اند. بنابراین قاری قرآن، با هر وقفی یک ابتدا نیز خواهد داشت. به همین جهت علم «معرفة الوقوف» را دانش وقف و ابتدا گویند (شهیدی‌پور، مبانی وقف و ابتداء، ۱۳۹۳: ۴۴) «ابتداء» ضد «وقف» است و در بیان معنای آن، آغاز نمودن و شروع کردن، گفته شده است (الدانی، ترجمه الکتفی فی الوقف و الابتداء، ۱۳۸۲: ۳). از نظر قرائت، ابتدا به دو قسم تقسیم می‌شود: الف) ابتدا، به معنای شروع قرائت قرآن؛ ب) ابتدا، به معنای شروع مجدد یا ادامه قرائت بعد از وقف. شروع کلام الله مجید با استعاذه و بسمله از آداب قسم اول به شمار می‌آید (شاکر، قواعد وقف و ابتداء در قرآن کریم، ۱۳۸۱: ۳۱).

مروری بر زندگینامه و آراء محمد علی خلف الحسینی

الف) زندگینامه

محمد بن علی بن خلف الحسینی مشهور به حداد، در شهر «بنی حسین» در «صعید» مصر به سال «۱۲۸۲» هجری قمری به دنیا آمد، و در سال «۱۲۹۴» هجری قمری به قاهره رفت و در منزل عمویش، علامه شیخ حسن بن خلف الحسینی سکنی گزید و در رشته علوم منقول و معقول دانشگاه الازهر مصر به تحصیل پرداخت؛ حداد در محضر بسیاری از بزرگان آن روزگار دانش آموخت از جمله: شیخ الاسلام سلیم البشیری، علامه ابوالفضل الجیزاوی، علامه یوسف الحواتکی، علامه هارون بن عبد الرزاق، علامه ابراهیم الظواهری، علامه محمد النجدی، علامه عبدالفتاح بن ابی النجا، علامه محمد البحیری، علامه سالم بن عطاء الله البولاقی، علامه محمد البجیرمی، علامه جمال الدین الافغانی و شیخ محمد عبده؛ ولی در علوم قرآنی به طور خاص بر عمویش اعتماد داشت و قرائت حفص و علم تجوید و انواعی دیگر از علوم مرتبط را از وی فراگرفت.

در طول عمر خود منصب‌های گوناگونی داشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شیخ المقارئ مصر و نیز رییس لجنه نظارت بر قرآن کریم اشاره نمود. پادشاه آن زمان، فواد اول، در راستای تقدیر از او، هم وزن مصحف به وی طلا داد که او این هدیه را رد کرد و در جواب این

مطلب را با الهام از آیات قرآن کریم بیان کرد: «تَحَنُّ لَاتَشْتَرِي بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا». استاد علی محمد ضبّاع، مؤلف کتاب «الاضاءة فی بیان اصول القراءة» و شیخ عموم المقارئ مصر، در وصف او این گونه گفته است: «پیشوای دانشمند و عالم مورد وثوق و محقق دقیق... بهترین کسی که در این زمان، بزرگی تعلیم قرائت در سرزمین مصر به او رسید...»

ب) آثار

در پایگاه اطلاع رسانی دانشگاه الازهر مصر برای او تعداد «۳۷» جلد کتاب عنوان شده که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- الكواكب الدرية فيما ورد في انزال القرآن على سبعة احرف من الاحاديث النبوية
- ارشاد الاخوان شرح هداية الصبيان في التجويد
- القول السديد في بيان حكم التجويد
- سعادة الدارين في بيان و عداى معجز الثقلين
- الآيات البينات في جمع القرائات
- وی به سال ۱۳۵۷ هجری قمری درگذشت.

- ج) مبانی خلف الحسینی در وقف و ابتدا
- «خلف الحسینی» تحقیقات و پژوهش گسترده ای را در زمینه اقسام وقف در قرآن آغاز کرد که مبنای کارش در این پژوهش چند چیز بود:
- مبنا قراردادن معنا و مفهوم آیات در تقسیم وقوف؛
 - بررسی دقیق آراء قرائت پژوهان گذشته در زمینه اقسام وقف؛
 - استمداد از نظریات مفسران بزرگ قرآن در به دست آوردن معنا و مفهوم آیات؛
 - ارائه اقسام جدیدی برای مواضع وقف قرآن.

این کار سرانجام در دهم ربیع الثانی سال «۱۳۳۷ هـ. ق» سامان یافت و اقسام جدیدی برای وقف عرضه شد، در پی آن، علائمی هم برای آن ها تعیین گردید که نقطه عطفی در دانش وقف و ابتدا در عصر حاضر گشت.

کار بزرگ شیخ المقارئ مصر، با استقبال دیگر عالمان قرائت، در مصر و اکثر بلاد اسلامی روبه رو شد و علائم وقف ابداعی او در قرآن ها قرار گرفت؛ که امروزه در بیشتر قرآن هایی که در کشورهای اسلامی به چاپ می رسد، از این علائم استفاده می شود.

یک - اقسام وقف از نظر محمد علی خَلَفُ الحسینی

از دیدگاه وی وقف و ابتداء دارای پنج قسم می‌باشد. اقسام پنج‌گانه وقف از دیدگاه وی به قرار ذیل است:

۱. وقف لازم: {م} «و هو ما قد یوهم خلاف المراد اذا وصل بما بعده». وقف در موضعی است که اگر به مابعدش وصل شود، معنایی خلاف معنای اراده شده را به ذهن القا می‌کند.
۲. جائز مع کون الوقف اولی: {قلی} وقف در این موضع، بهتر از وصل است. «هو الذی لا یتعلّق بشیء مما بعده لا من جهة اللفظ ولا من جهة المعنی» وقفی است که از جهت لفظ و معنا به چیزی از مابعد تعلق و وابستگی ندارد.

از نشانه‌های این وقف: پس از موضع وقف، این موارد دیده می‌شود: استفهام ملفوظ یا مقدّر؛ آخر داستان و شروع مطلب دیگر؛ غالباً یاء نداء؛ فعل امر؛ لام قسم؛ شرط؛ و....

۳. جائز مستوی الطرفین: {ج} وقف جایزی است که به وقف و وصل خواندن آن، هر دو جایز است.

«هو الذی یتعلّق بما بعده تعلّقاً لایمنع من الوقف علیه و لا من الابتداء بما بعده» وقف در موضعی است که وابستگی و تعلق به مابعد دارد؛ ولی این وابستگی مانع از وقف و نیز ابتداء از مابعد نیست.

از نشانه‌های این وقف پس از موضع وقف، این موارد می‌آید: مبتداء؛ فعل مستأنف؛ جمله - ای که مشتمل بر ضمیری باشد که به ماقبلش برگردد؛ مفعول مطلق برای فعل محذوف، مانند: وَعَدَ اللّٰهَ، سُنَّۃَ اللّٰه؛ نفی؛ إن مکسور یا استفهام؛ «بل»؛ «إلا» ی به معنی «لکن»؛ «ألا» ی مخفف، سین و سوف، زیرا این دو برای «وعید» می‌آید.

۴. جائز مع کون الوصل اولی: {صلی} وقف جایزی است که به وصل خواندن آن بهتر است. «هو الذی یتعلّق بما بعده تعلّقاً لایمنع من الوقف علیه و لکن یمنع من حسن الابتداء بما بعده». وقف در موضعی است که وابستگی و تعلق به مابعد دارد. این وابستگی مانع از وقف نمی‌شود؛ ولی مانعی برای حُسن ابتداء از مابعد است.

از نشانه‌های این وقف، پس از محل وقف، این موارد دیده می‌شود: استثناء، نعت، بدل، توكید، حال، نَعَم، بَئس، کیلا، در صورتی که قول یا قسم بر آن پیشی نگیرد.

تفاوت‌های وقف‌های سه‌گانه اخیر را می‌توان به این شکل بیان کرد: در جایی که وقف اولویت دارد، محل وقف تعلقی به مابعد ندارد. در وقف جایز مستوی الطرفین، تعلق به مابعد فقط از جهت معنا است و در جایی که وصل اولویت دارد، تعلق مابعد به محل وقف به اندازه‌ای است که مانع از «حُسن ابتداء» از مابعد می‌شود.

۵. وقف ممنوع: { لا } «هو الذى يتعلق بما بعده تعلقاً يمنع من الوقف عليه و من الابتداء بما بعده بأن لا يفهم منه المراد او يوهم خلاف المراد»؛ وقف در موضعی است که تعلق آن به مابعد به اندازه‌ای است که مانع از وقف و نیز ابتدا از ما بعد می‌گردد، زیرا در صورت وقف، معنای اراده شده از کلام فهمیده نمی‌شود یا معنای خلاف معنای واقعی تصور می‌شود».

دو - نشانه‌های وقف ممنوع از منظر خلف الحسینی

مواردی که برای وقف قبیح آمده است. که برای نمونه به چند مورد آن اشاره می‌کنیم: وقف بر مضاف بدون مضاف‌الیه، بر منعوت بدون نعت، بر شرط بدون جواب شرط، بر رافع بدون مرفوع، یا بر ناصب بدون منصوب، بر مؤکد بدون توكید، بر معطوف بدون معطوف‌علیه، بر بدل بدون مبدل منه و... (الصَّبَّاح، الاضاءة فی بیان اصول القرائة، بی تا: ۵۵-۵۷).

سه - انواع وقف و ابتداء

وقف در علم قرائت به دو صورت آمده است (همان، ۵۱).
الف) کلماتی که قاری در آن، وقف می‌کند هرچند صحیح نباشد.
ب) مواضعی که برای وقف صلاحیت داشته باشد، هرچند قاری بر آن وقف نکند.
بیشتر دانشمندان و صاحب نظران، وقف را به دو قسم «اختیاری» و «اضطراری» و سپس به چهار قسم «تام»، «کافی»، «حسن» و «قیح» تقسیم نموده‌اند.
تام و کافی از مصادیق وقف «اختیاری» و حسن و قبیح زیر مجموعه وقف «اضطراری» می‌باشد.

چهار - وقف تام

وقف بر پایان جمله‌ای است که مستقل بوده و هیچ گونه تعلقی به جمله بعد از خود نداشته باشد مانند وقف بر: ﴿ذلک الذی یشیر- الله عباده الذین امنوا وعملوا الصالحات﴾ (شوری/ ۲۱) که با جمله ما بعد «قل لا استلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» رابطه لفظی و معنوی ندارد.

۲۰۰

مقصود از تعلق لفظی رابطه دو عبارت از نظر اعراب و علم نحو می‌باشد مانند این که عامل اعراب یک کلمه یا عبارت در کلمه و عبارت دیگر باشد مثل: فعل و فاعل و مفعول، یا مبتدا و خبر، شرط و جزا.

رابطه معنوی ارتباط دو جمله از نظر موضوع و سیاق می‌باشد مانند این که جمله دوم توضیح و تفسیر جمله اول بوده یا حکمت آن را بیان کند.

معرفی مرکز طبع و نشر قرآن کریم

مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، در اوائل دهه هفتاد و به فرمان رهبر معظم انقلاب «مدّظله العالی» و با هدف تهیّه «مصحف جمهوری اسلامی ایران» تأسیس گردید. جایگاه ممتاز جمهوری اسلامی ایران در جهان به عنوان امّ القرای کشورهای اسلامی ایجاب می‌کرد تا ورود به عرصه تهیّه مصحف کاملاً علمی و تخصصی صورت گیرد. به همین علت واحدهای تخصصی مرکز جهت تأمین نیازهای مختلف «مانند تحقیق و پژوهش در زمینه علوم کتابت، امور هنری و فنی، آماده سازی رایانه‌ای، نظارت و بازبینی مصاحف، چاپ و نشر و ارتباطات با سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور و جهان» با حضور نیروهای متخصص و کارآمد تأسیس شد و هر واحد از پشتیبانی شوراهای تخصصی مرتبط باحضور برجسته‌ترین اساتید و صاحب‌نظران امور قرآنی کشور بهره‌مند گردید و اکنون به عنوان سیاست‌گذار در عرصه کتابت، چاپ و نشر قرآن کریم در جمهوری اسلامی ایران افتخار خدمت به ساحت قدسی قرآن کریم را دارد (سایت مرکز طبع و نشر قرآن کریم www.moshaf.org). در ادامه و در بیان رسالت و مأموریت مرکز طبع این چنین آمده است: تهیّه مصحف جمهوری ایران و ترویج رسم الخط مرکز که مبتنی بر مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای گسترده است.

هم‌چنین سه هدف برای این مرکز شمرده شده است:

۱. ساماندهی وضعیّت کتابت قرآن کریم در جمهوری اسلامی ایران؛
۲. همسان سازی رسم الخط‌های قرآنی؛
۳. تهیّه مصحف جمهوری اسلامی ایران.

و نیز در بیان وظائف واحد تحقیق و پژوهش مرکز نشر و طبع قرآن کریم این چنین آمده است: بررسی طرح‌های مطرح شده در شوراها و کمیسیون‌های مربوطه «مفاهیم، آموزش، وقف و ابتداء، شورای تحقیق» جهت تصویب و تأیید و نیز تشکیل جلسات و کمیسیون‌های تخصصی «شورای تحقیق، شورای آموزش، شورای ترجمه و مفاهیم، شورای وقف و ابتداء» و تعیین حوزه‌های فعالیت کمیسیون‌ها و تعیین افراد متخصص در همان حوزه‌ها.

و بر اساس این رویکرد و شرح وظائف بود که مرکز طبع و نشر قرآن کریم اقدام به چاپ مصحف با ویژگی‌های وقف و ابتدائی شیعی نمود.

تقسیم «وقف» از نظر مرکز طبع و نشر

۱. وقف لازم: وقفی که ضروری بوده و در صورت وصل به عبارت بعد، موهم معنای خلاف مراد باشد و این توهّم تا محل وقف بعد نیز از بین نرود. علامت این وقف «م» می‌باشد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي﴾ «آن یضرب مثلاً مابَعوضَةً فَمَا فَوْقَهَا» فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِ ذَا مَثَلًا يَضِلُّ بِهِ؛ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ؛ كَثِيرًا وَمَا يَضِلُّ بِهِ، إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (بقره/۲۶)؛ «خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ و اما آن‌ها که راه کفر را پیموده‌اند، (این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری)، خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد!».

۲. وقف جایز: وقفی که امکان وصل آن به عبارت بعد، وجود داشته باشد. این نوع وقف بر چند قسم است:

الف) الوقف اولی: وقف جایزی که نسبت به وصل دارای اولویت است. علامت این وقف «قلی» می‌باشد.

ب) الوصل اولی: وقف جایزی که وصل آن دارای اولویت است. علامت این وقف «صلی» می‌باشد.

ج) جایز الوقف و الوصل: وقف جایزی که وصل آن هم جایز است (البته جهت وقف نسبت به وصل قوی‌تر است). علامت این وقف «ج» می‌باشد.

۳. المرخص لضروری: وقف حَسَنی «وقف حسن وقفی است که نیکو بوده و معنای مفید و مقصود را افاده می‌کند، ولی ابتدا از مابعدش به دلیل وابستگی لفظی و معنوی آن به عبارت قبلی صحیح نیست و باید از قبل از آن ابتدای مناسبی پیدا کرد» که به دلیل طول کلام و نبودن محل مناسب برای ابتدا از قبل صورت می‌گیرد و به قاری این اجازه را ضرورتاً می‌دهد که از مابعد ابتدا کند. علامت این وقف «ص» می‌باشد.

۴. وقف ممنوع: وقفی که وقف در آن موضع یا ابتدا از مابعد به دلیل قبح معنا، ممنوع می‌باشد. علامت این وقف «لا» می‌باشد. خلاصه اقسام، علائم و تعاریف وقف (مصوبه کمیسیون وقف و ابتدای مرکز طبع و نشر) به صورت زیر است:

علامت	اقسام وقف
م	وقف لازم
قلی	وقف جایز با اولویت وقف
ج	وقف جایز با جواز وصل
صلی	وقف جایز با اولویت وصل
ص	وقف جایز با ابتدای اضطراری جایز از مابعد
لا	وقف یا ابتدای ممنوع

مواضع تطبیقی وقف‌های اختلافی بین خلف الحسینی و مصحف مرکز طبع و نشر در

حروف مقطعه قرآن کریم

ردیف	نشانی	موضع وقف	علامت الحسینی	علامت مرکز
۱	یونس/ ۱	الر	ج	ط
۲	هود/ ۱	الر	ج	ط
۳	یوسف/ ۱	الر	ج	ط
۴	رعد/ ۱	المر	ج	ط
۵	ابراهیم/ ۱	الر	ج	ط
۶	حجر/ ۱	الر	ج	ط
۷	نمل/ ۱	طس	ج	ط
۸	ص/ ۱	ص	ج	ط
۹	ق/ ۱	ق	ج	ط
۱۰	قلم/ ۱	ن	ج	ط

نکته

علامت وقف در مصحف «مرکز طبع» در مواضع ده‌گانه فوق «ط» است و در مصحف «امیری» «ج» علامت وقف می‌باشد، و ذکر این نکته لازم است که هیچ یک از این موارد ده‌گانه آیه‌ای مستقل نبوده و جزء آیه اول سوره می‌باشند.

البته اختلاف بر سر این که وقف در حروف مقطعه در قرآن کریم چه نوع وقفی می‌باشد و حروف مقطعه محلی از اعراب دارند یا خیر در تمامی حروف مقطعه در قرآن کریم جاری می‌باشد و در مورد آن در این نوشتار بحث شده است ولی به جهت آن که از نظر علامت‌گذاری، در این ده مورد، اختلاف در دو مصحف امیری و مرکز طبع وجود دارد، در جدول به این ده موضع اشاره شده است. و این امر هم به این دلیل می‌باشد که در این ده مورد حروف مقطعه جزء آیه می‌باشد و آیه‌ای مستقل نیست.

۱. بررسی دو دیدگاه فوق از نظر کتب معتبر وقف و ابتداء

یکی از مهم‌ترین منابعی که می‌توان در موضوع «وقف در حروف مقطعه» از آن استفاده نمود نظر علمای وقف و ابتداء در این موضوع می‌باشد که بررسی و دقت در این نظرات برای فهم درست مطلب می‌تواند راهگشا باشد، به همین دلیل ابتداء نظرات ایشان بیان می‌شود و سپس نظرات «کتب اعراب القرآن» و «تفاسیر» مورد بررسی قرار می‌گیرند.

اول - نظر «المکتفی» در حروف مقطعه

ابو عمرو در «المکتفی» ذیل موضع «الر» در آیه اول سوره مبارکه یونس که اولین مورد از موارد اختلافی می باشد می گوید «وقف تام» است و قولی را از ابن عباس نقل می نماید که معنای «الر» نزد ابن عباس می شود «انا الله اری» و معنای «المر» در اول سوره رعد می شود «انا الله اعلم و اری» و البته نقل قولی را هم بیان می نماید که وقف در این مواضع «کافی» می باشد، که البته خود «ابو عمرو» قول اول یعنی «وقف تام» را اختیار می نماید (دانی، المکتفی فی الوقف والابتداء، ۱۴۰۷: ۳۰۱).

دوم - نظر «الوقف و الابتداء» در حروف مقطعه

سجاولندی نیز در «الوقف و الابتداء» وقف در این موضع را «جائز» می داند (السجاولندی، علل الوقوف، بی تا: ۲۲۸).

سوم - نظر «المقصد» در حروف مقطعه

انصاری ذیل آیه اول سوره مبارکه بقره در مورد «وقف در حروف مقطعه» می گوید: وقف در «الم» و مانند آن از حروف مقطعه در قرآن کریم که در اوائل سوره ها می آید «وقف تام» می باشد، البته در صورتی که: الف) حروف مقطعه خبر مبتدای محذوف قرار داده شوند که مثلاً این گونه می شود: «هذه الم» یا «هذا الم».

ب) «الم» منصوب باشد به وسیله فعل محذوفی که گویا این گونه می شود: «اقرأ الم» و یا «خذ الم».

ج) هر کدام از حروف مقطعه نشانه ای از یک کلمه است، مثلاً «الم» مخفف جمله «انا الله اعلم» می باشد. سپس انصاری از «ابوحاتم» نقل می نماید که وقف در این موضع «حسن» می باشد و هم چنین از «ابو عمرو» نقل می کند که «ابو حاتم» می گوید که وقف در این موضع «کافی» می باشد، و غیر «ابو حاتم» می گوید که وقف در این موضع نه «تام» می باشد و نه «کافی» زیرا معنای حروف مقطعه می شود «یا محمد».

و از عده ای نیز نقل می نماید که می گویند معنای حروف مقطعه «قسم» است و عده ای هم می گویند که به معنای تنبیه و هشدار می باشد (انصاری، المقصد لتلخیص ما فی المرشد، ۱۳۰۱: ۱۱).

چهارم - نظر «منار الهدی» در حروف مقطعه

اشمونی هم ذیل آیه ابتدایی سوره بقره در مورد موضع «الم» اشکال گوناگونی از وقف را با توجه به ترکیب‌های نحوی مختلف بیان می‌نماید که در ذیل می‌آید:

الف) وقف تام است در صورتی که :

۱. مرفوع به «هدی» باشد یا «هدی» مرفوع به آن باشد؛
۲. مرفوع به سبب «هاء» در جمله «لاریب فیه» باشد؛
۳. مرفوع باشد به سبب موضع «لاریب فیه» یعنی گویا گفته شده است که «ذالک الکتاب حق بهدی»؛

۴. مرفوع شود به وسیله «کتاب» یا «کتاب» به وسیله آن؛

۵. مرفوع باشد بنا بر «ابتدائیت» و کتاب هم «نعت» یا «بدل» باشد و «لاریب فیه» هم خبر مبتدا باشد.

ب) وقف کافی است در صورتی که خبر مبتدای محذوف باشد یعنی گویا چنین بوده است: «هذه الم» او «هذا الم».

ج) وقف حسن است در صورتی که منصوب به سبب فعل محذوفی باشد یعنی مثلاً «اقرأ الم».

د) مواردی که نمی‌توان در این موضع وقف نمود:

أ. در صورتی که حرف قسمی در تقدیر گرفته شود که در این صورت جمله «ذالک الکتاب لاریب فیه» (بقره / ۲)؛ «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد».

جواب قسم می‌شود که گویا کلام این چنین است : قسم به این حروف، ای پیامبر، این کتاب همان کتابی است که پیامبران قبل از تو نیز به آن وعده داده‌اند. که اگر بپذیریم که این جا حرف قسمی در تقدیر است در این صورت حروف مقطعه متعلق به ما بعد خویش می‌باشد و از آن جدایی ندارد زیرا هر قسمی جواب قسم دارد و جواب قسم هم بلافاصله بعد از آن می‌آید. و البته در پایان این احتمال اشمونی می‌گوید قسم احتیاج به «ادات قسم» دارد که البته در این جا این «ادات قسم» وجود ندارد و به نوعی این احتمال را رد می‌نماید.

ب. در صورتی که مبتدا باشد و «ذالک» خبر آن باشد.

ج. در صورتی که «ذالک» مبتدای دوم باشد و «کتاب» خبرش باشد و کل جمله نیز خبر «الم» باشد و اسم اشاره نیز رابط باشد و البته به این مطلب اشکال وارد است زیرا اولاً خبر متعدد می‌شود و نیز یکی از خبرها جمله می‌باشد ولی این اشکال صحیح نمی‌باشد که سپس فخر رازی مثال می‌آورد به آیه «فاذا هی حیه تسعی» (طه / ۲۰)؛ «پس موسی آن (عصا) را

افکند، که ناگهان ازدهایی شد که به هر سو می‌شتافت» و می‌گوید اگر «تسعی» را خبر بگیریم دیگر این اشکال وارد نمی‌باشد اما اگر «تسعی» صفت باشد اشکال وارد می‌باشد. و اما اگر «الم» را مبتدا بگیریم و «ذالک» را مبتدای دوم و کتاب را بدل یا عطف بیان قرار دهیم در این صورت وقف بر «کتاب» «حسن» می‌باشد.

د. در صورتی که «ذالک» مبتدا و خبر آن «لاریب» باشد.

هـ. در صورتی که «ذالک» مبتدا باشد و «کتاب» و «لاریب فیه» خبر اول و دوم برای او باشد. و در صورتی که «لاریب فیه» خبر از مبتدای دوم باشد و سپس مبتدای دوم و خبرش خبر از مبتدای اول باشند.

و سپس اشمونی می‌گوید در مورد همه حروف مقطعه‌ای که در اوائل سوره‌ها قرار دارد این چنین گفته می‌شود، البته بنابراین قول که این حروف معرب می‌باشند (الاشمونی، منارالهدی فی بیان الوقف و الابتداء، ۱۴۲۲: ۲۹).

۲. بررسی دو دیدگاه فوق از نظر کتب معتبر اعراب القرآن

اول - نظر «الجدول» در حروف مقطعه

صافی در «الجدول» ذیل آیه «الم» در سوره بقره می‌گوید:

حروف مقطعه محلی از اعراب ندارند و مبنی می‌باشند و این قول صحیح‌ترین و آسان‌ترین و دورترین قول از تأویل می‌باشد (محمود بن عبدالرحیم، الجدول فی اعراب القرآن الکریم، بی تا: ۱/ ۳۲).

دوم - نظر «اعراب القرآن» در حروف مقطعه

درویش اما در «اعراب القرآن» می‌گوید «الم» کلمه‌ای می‌باشد که لفظ آن اراده می‌شود نه معنای آن و در محل رفع هم می‌باشد بنابراین که خبر است برای مبتدای محذوف به این صورت که: «هذه الم». «درویش، اعراب القرآن الکریم و بیانه، بی تا: ۱/ ۲۳).

که این مطلب دلالت بر تام بودن وقف در این مواضع و تأیید نظر مرکز طبع مبنی بر اولویت وقف می‌باشد.

۲۰۶

سوم - نظر «اعراب القرآن نحاس» در حروف مقطعه

نحاس ذیل آیه اول سوره مبارکه بقره می‌گوید: نظر خلیل و سبویه در مورد حروف مقطعه این است که این حروف مانند حروف الفبا می‌باشند و مبنی هستند (نحاس، اعراب القرآن، ۱۴۲۱: ذیل آیه اول سوره بقره).

۳. بررسی دو دیدگاه فوق از نظر تفاسیر

یک - نظر «مفاتیح الغیب» در حروف مقطعه

فخر رازی در «التفسیر الکبیر» ذیل آیه اول سوره بقره در این زمینه می‌گوید:

حکم حروف مقطعه مادامی که «عاملی» بر سر آن نیاید این است که بدون اعراب و ساکن باشد مانند اسامی اعداد یعنی این گونه می‌گوییم که «الف» «لام» «میم» همان طور که گفته می‌شود «واحد» «اثنان» «ثلاثة» اما هنگامی که عامل بر سر آن بیاید «حروف مقطعه» اعراب می‌گیرند مثلاً می‌شود «هذه الف» و «کتبت الفاء» و «نظرت الی الف».

نکته بعد در مورد حروف مقطعه این می‌باشد که این حروف «معرب» می‌باشند و به این جهت ساکن شده‌اند که عاملی بر سر آنان نیامده است و دلیل بر این که سکون این حروف وقف است نه «بناء» - یعنی مبنی نمی‌باشد - این است که اگر این حروف مبنی باشند مانند «کیف» «این» و «هؤلاء» در انتهای آن‌ها حرکتی وجود دارد نه این که مانند حروف مقطعه آخر آنان ساکن باشد (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲/ ۲۴۹) این مطلب فخر رازی به این نکته اشاره دارد که این حروف با وجود این که از نگاه او معرب هستند اما وقف در این مواضع وقف تام می‌باشد.

دو - نظر «المیزان» در حروف مقطعه

علامه طباطبایی ذیل آیات اول و دوم سوره مبارکه شوری که «حم» و «عسق» است می‌گوید:

مفسرین در تفسیر حروف مقطعه با یک‌دیگر اختلاف کرده‌اند.

وی پس از نقل اقوال مختلف در معنای حروف مقطعه می‌گوید:

حق مطلب در باره «حروف مقطعه» این است که هیچ یک از احتمالات در مورد حروف مقطعه آدمی را قانع نمی‌سازد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۶/ ۱۸).

علامه سپس در مورد حروف مقطعه می‌گوید:

نکته‌ای که در این جا نباید از آن غافل بود این است که این حروف در چند سوره تکرار شده، یعنی در بیست و نه سوره حروف مقطعه آمده که بعضی با یک حرف افتتاح شده، مانند سوره «ص»، «ق» و «ن» و بعضی دیگر با دو حرف چون «طه»، «طس»، «یس» و «حم» و بعضی دیگر با سه حرف چون «الم»، «الر» و «طسم» و بعضی دیگر با چهار حرف چون «المص» و «المر» و بعضی با پنج حرف چون سوره «کهیعص» و «جمعسق».

از سوی دیگر این حروف هم با يك ديگر تفاوتی دارند، و آن این است که بعضی از آن‌ها تنها در یک جا آمده، مانند «ن» و بعضی دیگر در آغاز چند سوره آمده، مانند «الم» و «الر» و «طس» و «حم».

با در نظر گرفتن این دو نکته اگر کمی در سوره‌هایی که حروف مقطعه سرآغاز آن‌ها یکی است مانند «الم»، «الر»، «طس» و «حم» دقت شود، خواهیم دید که آن سوره‌ها از نظر مضمون نیز بهم شباهت دارند و سیاقشان یکی است، که این شباهت بین آن‌ها در سایر سوره‌ها دیده نمی‌شود و مؤکد این معنا شباهتی است که در آیات اول بیش‌تر این سوره‌ها مشاهده می‌شود، مثلاً در سوره‌های «حم» آیه اول آن با عبارت «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ»؛ «اینها از آیات کتاب مبین است» است، یا عبارتی دیگر که این معنا را می‌رساند، و نظیر آن آیه‌های اول سوره‌هایی است که با «الر» افتتاح شده که فرموده: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ» و یا عبارتی در همین معنا و نیز نظیر این در سوره‌هایی که با «طس» شروع می‌شود و یا سوره‌هایی که با «الم» آغاز گشته، که در بیشتر آن‌ها نبودن «ریب» و «شك» در کتاب به میان آمده، و یا عبارتی که همین معنا را می‌رساند (همان، ۷ و ۸).

با در نظر گرفتن این شباهت‌ها ممکن است آدمی حدس بزند که بین این حروف و مضامین سوره‌ای که با این حروف آغاز شده ارتباط خاصی می‌باشد، مؤید این حدس آن است که می‌بینیم سوره اعراف که با «المص» آغاز شده، مطالبی را که در سوره‌های «الم» و سوره «صاد» هست در خود جمع کرده.

و نیز می‌بینیم سوره رعد که با حروف «الر» افتتاح شده، مطالب هر دو قسم سوره‌های «الم» و «الر» را دارد.

از این‌جا استفاده می‌شود که این حروف رموزی هستند بین خدای تعالی و پیامبرش که معنای آن‌ها از ما پنهان است و فهم عادی ما راهی به درک آن‌ها ندارد، مگر به همین مقدار که حدس بزنیم بین این حروف و مضامینی که در سوره‌های هر يك آمده ارتباط خاصی هست، و چه بسا اگر اهل تحقیق در مشترکات این حروف دقت کنند، و مضامین سوره‌هایی را که بعضی از این حروف در ابتدای آن‌ها آمده با يك ديگر مقایسه کنند، رموز بیشتر برایشان کشف شود.

و ای بسا که معنای آن روایتی هم که اهل سنت از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده‌اند همین باشد، و آن روایت به نقل از طبرسی در مجمع البیان این است که آن جناب فرمود:

«برای هر کتابی نقاط برجسته و چکیده‌ای است، و چکیده قرآن حروف الفباء است» (همان، ۹؛ الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۱۱۲).

سه - نظر «تفسیر نمونه» در حروف مقطعه

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه ذیل اولین آیه از سوره مبارکه بقره می‌گوید: این حروف اشاره به این است که این کتاب آسمانی با آن عظمت و اهمیتی که تمام سخن‌وران عرب و غیر عرب را متحیر ساخته، و دانشمندان را از معارضه با آن عاجز نموده است، از نمونه همین حروفی است که در اختیار همگان قرار دارد در عین این که قرآن از همان حروف «الف، باء» و کلمات معمولی ترکیب یافته، به قدری کلمات آن موزون است و معانی بزرگی در بر دارد، که در اعماق دل و جان انسان نفوذ می‌کند، روح را مملو از اعجاب و تحسین می‌سازد، و افکار و عقول را در برابر خود وادار به تعظیم می‌نماید، جمله‌بندی‌هایش مرتب و کلمات آن در بلندترین پایه قرار گرفته و معانی بلند را در قالب زیباترین الفاظ می‌ریزد، که همانند و نظیر ندارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۲).

نکته دیگری که این نظریه را درباره معنی حروف مقطعه قرآن تأیید می‌کند این است که در «۲۴» مورد از آغاز سوره‌هایی که با این حروف شروع شده است، بلافاصله سخن از قرآن و عظمت آن به میان آمده، این خود نشان می‌دهد که ارتباطی میان حروف مقطعه و عظمت قرآن ارتباط ویژه‌ای وجود دارد.

اینک چند نمونه از آن‌ها را در این جا می‌آوریم:

۱. «الرَّكِتَابُ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَضَّلْتُ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَيْرٍ» (هود/ ۱)؛ «الر، این کتابی است که آیت‌هایش استحکام یافته؛ سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است».
 ۲. «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ» (نمل/ ۱)؛ «طس، این آیات قرآن و کتاب مبین است».
 ۳. «الْم تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (لقمان/ ۱)؛ «الم، این آیات کتاب حکیم است (کتابی پر محتوا و استوار)».
 ۴. «المص كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ» (اعراف/ ۱ و ۲)؛ «این کتابی است که بر تو نازل شده»
- در تمام این موارد و موارد بسیار دیگر از آغاز سوره‌های قرآن پس از ذکر حروف مقطعه سخن از قرآن به میان آمده، و از عظمت آن بحث شده است (همان، ۶۳-۶۵).

بررسی و نقد

اول - بین علمای وقف و ابتداء در مورد نوع وقف در موضع «حروف مقطعه» اختلاف نظر وجود دارد، عده‌ای وقف در این موضع را «وقف تام» گروهی «وقف کافی» و بعضی هم مانند سجاوندی وقف در این موضع را «جائز» می‌دانند. و البته در بعضی از نظرات نوع وقف بستگی به نوع ترکیب نحوی حروف مقطعه دارد. به نظر می‌رسد با توجه به این که از اسم این حروف پیداست،

این حروف «مقطعه: جدا جدا» می‌باشند. و خود به تنهایی دارای معنایی جداگانه هستند و در تفسیر این حروف هم بین مفسران کاملاً اختلاف نظر وجود دارد، و هیچ معنایی به طور حتمی و متقن برای این حروف ذکر نشده است، بنابراین وقف در این موضع وقف تام می‌باشد.

دوم - در بین علمای «اعراب القرآن» هم در مورد «حروف مقطعه» اختلاف نظر وجود دارد که صافی برخلاف درویش که این حروف را «معرب» می‌داند، محلی از اعراب برای این حروف قائل نیست و می‌گوید این حروف مبنی می‌باشند. و البته درویش هم در اعراب القرآن درست است این حروف را معرب می‌داند اما با توجه به تقدیری که می‌گیرد «هذه الم» وقف در این مواضع را وقف تام می‌داند و این مطلب با نظر مرکز طبع سازگار می‌باشد.

سوم - فخر رازی حروف مقطعه را معرب می‌داند که ذیل نظر او بیان گردید معرب بودن این حروف منافاتی با وقف تام بودن این مواضع ندارد زیرا از نظر فخر رازی وقتی عاملی بر سر این حروف بیاید این حروف اعراب پذیر هستند ولی هم اکنون این حروف در قرآن کریم معرب و ساکن می‌باشند زیرا عاملی بر سر آنان نیامده است. بنابراین موضع وقف در این حروف وقف تام می‌باشد.

چهارم - با توجه به نظر علامه طباطبایی در مورد حروف مقطعه و «چرایی» آن که احتمال زیادی می‌دهد بین این حروف و مضامینی که در سوره‌های هر یک از این حروف آمده «ارتباط خاصی» وجود داشته باشد، و این مطلب که ارتباط این حروف با ما بعد خویش ناظر به کلّ سوره می‌باشد که در تفسیر نمونه نیز این ارتباط را ناظر به کلّ سوره و کلّ قرآن می‌داند، به نظر می‌رسد نظر مصحف مرکز طبع که اولویت وقف با علامت «قلی» در این موضع می‌باشد صحیح‌تر و به قول تفسیری «ارجح» همان‌گونه باشد زیرا همان‌طور که علامه طباطبایی می‌گوید «ارتباط خاصی» بین این حروف و مضامین سوره‌هایی که در ابتدای آن این حروف آمده است وجود دارد نه این‌که بین این حروف و آیه‌ای که این حروف جزء آن می‌باشد، که در آن صورت نظر مصحف امیری که وقف جائز با علامت «ج» می‌باشد صحیح است.

پنجم - علامه طباطبائی در المیزان بین این حروف و مضامین سوره‌های آن‌ها قائل به ارتباطی خاص می‌باشد که این نشان‌دهنده نوعی تعلق معنوی بین این حروف و سوره‌ها می‌باشد؛ مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه قائل به نوعی تعلق لفظی خاص میان این حروف و سوره‌های آن‌ها و در مجموع کلّ قرآن می‌باشد و درست است که در «۲۴» مورد از سوره‌هایی که با این حروف شروع شده است، بلافاصله سخن از قرآن و عظمت آن به میان آمده، ولی باید

توجه داشت که فقط در «۱۰» مورد این حروف «جزء آیه» می‌باشند و در مورد موضع وقف آن‌ها بحث می‌شود ولی در سایر موارد هر کدام از این حروف خود به تنهایی یک آیه مستقل هستند و در این صورت نظر مصحف مرکز طبع و نشر که قائل به اولویت وقف می‌باشد صحیح می‌باشد زیرا قطعاً وقف در انتهای آیات اولویت دارد زیرا نخستین موضعی که برای وقف شناخته شد فواصل آیات «انتهای آیات» بوده است و وقف بر پایان هر آیه به عنوان روش و سنت پیامبر گرامی اسلام نیکو و پسندیده شناخته شده و بر آن تأکید گردیده است. و اتمام یک آیه خود نشانگر محل وقف بودن آن می‌باشد.

از ابن کثیر و ابوعمر و نقل شده که آنان بر وقف در انتهای آیات تعمد داشته‌اند. ابن جزری در این رابطه می‌نویسد:

«و ابن کثیر روی عنه الامام الصالح ابوالفضل الرازی انه کان یراعی الوقف علی رؤوس الآی مطلقاً و ابوعمر و فروینا عنه انه کان یتعمد الوقف علی رؤوس الآی و یقول هو احب الی»؛ «ابوالفضل رازی از ابن کثیر نقل کرده که او همیشه بر انتهای آیات وقف می‌نموده است. و از ابوعمر و برای ما روایت کرده‌اند که وی در وقف بر انتهای آیات تعمد داشته و می‌گفته که آن را بیشتر دوست دارم» (جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۱/ ۲۳۸).

ششم - با توجه به مطالبی که بیان گردید در موضع وقف در حروف مقطعه، نظر مرکز طبع و نشر که اولویت وقف با علامت «قلی» می‌باشد صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه

با توجه به مطالب فوق و تحلیل و بررسی‌های انجام شده نتایج ذیل را می‌توان از مقاله فوق ارائه نمود:

۱. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در کتب وقف و ابتداء و کتب اعراب القرآن، وقف در موضع حروف مقطعه «وقف تام» می‌باشد.

۲. معرب بودن حروف مقطعه منافاتی با وقف تام بودن این مواضع ندارد.

۳. با توجه به این نکته که ارتباط حروف مقطعه با ما بعد خویش ناظر به کلّ سوره است نه فقط آیه‌ای که این حروف جزء آن می‌باشد، نظر مصحف مرکز طبع که اولویت وقف با علامت «قلی» در این مواضع است، صحیح‌تر، و به قول تفسیری «ارجح» نزدیک‌تر می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) نوبت چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. سایت مرکز طبع و نشر قرآن کریم www.moshaf.org
۳. ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۴. الاشمونی، احمد بن عبدالکریم، منارالهدی فی بیان الوقف و الابتداء، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۵. انصاری، زکریا، المقصد لتلخیص ما فی المرشد، قاهره: ۱۳۰۱ ق.
۶. خلیل الحصری، محمود، معالم الإهداء الی معرفه الوقف و الابتداء، انتشارات اسوه، ۱۳۷۰ ش.
۷. دانی، ابوعمر، المکتفی فی الوقف و الابتداء، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۸. درویش، محیی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر، بی تا.
۹. زکشی، برهان الدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. السجاوندی، محمد بن طیفور، علل الوقوف، مکتبه الرشد، الناشرین، بی تا.
۱۱. سخاوی، علم الدین، جمال القراء و کمال الاقراء، مکة المکرمه: مکتبه التراث، بی تا.
۱۲. شهیدی پور، محمدرضا، مبانی وقف و ابتداء، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳ ش.
۱۳. الصّبّاع، علی محمد، الاضاءه فی بیان اصول القرائه، مصر: بی نا، بی تا.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، عربی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۱۵. الطبرسی، فضل ابن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. کاشانی، فیض، تفسیر الصافی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، بی تا.
۲۰. محمود بن عبدالرحیم، الجدول فی اعراب القرآن الکریم، دارالنشر، بی تا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. ناصر خسرو، علی بن محمد جرجانی، التعریفات، تهران: ۱۳۷۰ ش.
۲۳. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.